



24 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف درکشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش سوم

یک هفته سرنوشت ساز:

امیر حبیب الله خان بتاريخ 11 جدی 1297ش (اول ماه جنوری 1919) طبق معمول همه ساله برای سپری کردن ایام زمستان با آرگاه و بارگاه ملکی و نظامی و به همراهی تعداد زیاد اعیان و بزرگان دربار به شمول برادر خود سردار نصرالله خان نائب السلطنه جمله حرم از کابل بصوب جلال آباد حرکت کرد و پسر سوم خود شهزاده امان الله خان عین الدوله را نیابت خود در کابل گذاشت. امیر بعد از چند روز اقامت در قصر شاهی جلال آباد عزم سفر به شکارگاه "کله گوش" در لغمان نمود و پس از آنکه روز را به شکار و شب را با اعیان به خوشی و مصافحه با یاران گذرانید، در نیمه شب به عزم استراحت درخیمه مخصوص شاهی رهسپار خوابگاه خود شد که اطراف و اکناف و نیز حواشی خیمه بوسیله نظامیان و پهره دارهای مؤظف مراقبت و دیده بانی میگردید. حوالی ساعت 3 بجه شب [صبح زود] پنجشنبه مورخ اول حوت (18 فبروری) ناگهان فیر تفنگچه شنیده شد و همه از خواب پریدند و بطرف خیمه امیر رفتند و لحظه بعد گفته شد که امیر به ضرب فیر تفنگچه به شهادت رسیده است. سردار نصرالله خان نائب السلطنه برادر امیر بدون آنکه در جستجوی قاتل برآید، با خونسردی این حادثه را یک رویداد عادی جلوه داد و پس از مشوره با دیگران تصمیم برآن شد تا جنازه امیر به جلال آباد انتقال یابد و خودش با تعداد دیگر بدانسو حرکت کرد.

جنازه بروز جمعه مورخ 2 حوت منزل به منزل به جلال آباد رسید، و اما طبق معمول باید قبل از دفن جسد امیر باید جانشین او تعیین می شد. همان بود که سردار عنایت الله خان معین السلطنه پسر ارشد امیر پیش شد و به کاکای خود نصرالله خان بیعت کرد؛ متعاقباً دیگران نیز دست بیعت به نصرالله خان پیش کردند و او را به حیث امیر جدید قبول و در نماز جمعه خطبه بنام او خوانده شد و سپس جسد امیر شهید در ساحه مسمی به "میدان گلف" آن شهر در همان روز طی مراسم خاص و حضور همه اعیان و درباریان و عساکر به خاک سپرده شد. در روز جمعه و شنبه مراسم فاتحه گیری در آنجا برگزار گردید و هم زمان صدور پیامها و اطلاعاتی ها مبنی بر این رویداد به دیگر ولایات کشور از جمله کابل که شهزاده امان الله نیابت پدر را بعهده داشت، آغاز شد. یکی از این پیامهای عاجل همانا ارسال یک نامه از طرف امیر جدید عنوانی ویسرای هند برتانوی بود که در آن پس از ابلاغ شهادت امیر و جانشینی خودش تصریح کرده بود که: «تعلقات حکومتین را مانند سابق ان شاءالله تعالی دوستانه قائم خواهم داشت».

بروز جمعه خبر شهادت امیر و امارت خود را امیر جدید ذریعه شجاع الدوله خان به شهزاده امان الله خان رسانید که شهزاده با حصول این اطلاع با تأثر فراوان بزرگان دربار پدر را در کابل فرا خواند و موضوع شهادت پدر را با ایشان به مشوره گذاشت که همه با تفاهم او را مسح جانشینی پدر دانسته و به او بیعت کردند. بعد از ظهر همان روز تعدادی از عساکر در ارگ کابل فراخوانده شدند و پس از اعلام شهادت امیر آنها نیز به شهزاده بیعت و او را به امارت کشور قبول نمودند که با این طریق در کشور دو امیر - یکی در کابل و دیگری در جلال آباد مدعی

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

سلطنت شدند. امیر امان الله خان ضمن یک بیانیه موضوع خونخواهی پدر و نیز تعهد به کسب استقلال کامل کشور را در راس اهداف اولیه خود قرار داد که محتوای این بیانیه موجب حمایت مزید مردم قرار گرفت و در تحکیم موقف او در سلطنت مؤثر واقع شد.

در این اثنا در جلال آباد به خونخواهی امیر شهید قیام عساکر براه افتاد و در اثر آن یک تعداد اشخاص که مظنون به شهادت امیر بودند، توسط عساکر قیام کننده بازداشت و زندانی شدند، از جمله خانواده مصاحبان به شمول سپهسالار نادرخان و بنی اعمام او که گفته میشد قاتل به قول خود نصرالله خان و افواه عام همانا سردار احمد شاه خان پسر سردار محمد آصف خان بود. امیر امان الله خان که گفته میشود در این قیام نقش داشت، محمود خان (یاور) را فوری به جلال آباد فرستاد و او موفق شد قیام عساکر را به نفع سلطنت شاه امان الله زیر کنترل در آورد و طبق امر همه زندانی ها را ذریعۀ موثرها تحت الحفظ به



کابل گسیل کرد. بتاريخ 3 حوت مراسم فاتحه خوانی امیر در کابل برگزار شد و بتاريخ 8 حوت کاروان زندانی ها به شمول شخص سپهسالار محمد نادرخان و خانواده او به ارگ کابل مواصلت و زیر نظارت گرفته شدند. در همان روز امیر نصرالله خان که با مشاهده قیام عساکر و برهم خوردن اوضاع در مورد ادامه امارت خود متزلزل شده بود، بیعت نامه رسمی خود را مبنی از انصراف از سلطنت عنوانی امیر امان الله خان ارسال داشت. متعاقباً سردار عنایت الله خان معین السلطنه و سردار حیات الله خان عضدالدوله برادران ارشد امیر امان الله خان که نخست به نصرالله خان بیعت کرده بودند، به امان الله خان بیعت کردند و بتاريخ 9 حوت آنرا طی یک نامه به امان الله خان ارسال داشتند.

با این ترتیب امیر امان الله خان بروز جمعه مورخ 9 حوت 1297 (28 فیروی 1919م) جلوس رسمی سلطنت خود را اعلام و تاج شاهی کشور را بر سر گذاشت و فردای آنروز یعنی 10 حوت (اول مارچ) امیر عنوانی ویسرای هند برتانوی پیامی نوشت که روز بعد از طرف اداره نظارت امور خارجیه افغانستان به آن مرجع ارسال شد و در آن ضمن اطلاع سلطنت خود، موضوع شناسائی افغانستان را به حیث یک کشور کاملاً مستقل خاطر نشان کرده بود. با این رویداد تاریخی هفته بسیار پر تنش و پرماجرا که از اول حوت آغاز و بروز 9 حوت 1297 به پایان رسید، دوره جدید در تاریخ کشور رقم خورد.

در اینجا قابل ذکر میدانم که درباره جزئیات شهادت مرموز امیر حبیب الله خان و عاملان یا عامل حقیقی آن که کی و یا کی ها بودند و انگیزه های آن چه بود، چون پس از واقعه، موضوع مورد پیگرد دقیق قرار نگرفت و قاتل همچنان در سایه ابهام موفق به فرار شد، نظریات متفاوت از طرف محققان و مورخان کشور بعداً ابراز گردیده که شرح آن خارج از موضوع بحث این نوشته است، اما اینقدر باید گفت: هنگامیکه در سال 1386 جلد چهارم "سراج التواریخ" مشتمل بر سه بخش قطور بازیاب و در سال 1391 در کابل به چاپ رسید، بسا مطالبی که تا قبل از آن در این ارتباط در محدوده شایعات قرار داشت، تغییر کرد و نگاه جدید در زمینه ارائه شد. علامه فیض محمد کاتب در بخش سوم، جلد چهارم سراج التواریخ در حدود صد صفحه را مختص به گزارش واقعاتی کرده است که تا قبل از آن کسی با چنان جزئیات در قید روز و ساعت به ذکر مفصل آن نپرداخته بود.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

از آنجائیکه حادثه شهادت امیر از آنوقت تا حال یک رویداد مرموز و متنازع فیه باقی مانده و بعد از سقوط دوره امانی دستخوش سیاست ها و تبلیغات منفی گردید بود، این کمترین کوشید به استناد مآخذ قبلی و بخصوص مآخذ اخیر الذکر موضوع را مورد بررسی موشگفانه قرار دهد و نتایج بررسی خود را در سلسله مقالات خود تحت عنوان "اسرار نهفته شهادت امیر حبیب الله خان به استناد سراج التواریخ و مآخذ دیگر" در 22 قسمت در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین سر از تاریخ 11 دسمبر 2016 تا 8 جنوری 2017 به نشر برساند، به این هدف که بعداً آنرا به حیث یک کتاب مستقل چاپ کند. اینجانب انگیزه های قتل امیر را در سه گنگور مورد بررسی قرار داده، از اینقرار:

- 1 - انگیزه های شخصی که مشتمل اند بر: الف - فرو رفتن امیر در زندگی خصوصی؛ ب - رقابت ها برای جانشینی؛ ج - عقده های شخصی؛ د - برهم خوردن روابط با علیا حضرت سراج الخواتین؛
- 2 - تشکیل گروه های سیاسی مخالف امیر: الف - فعالیت "مشروطه خواهان" و انگیزه های آن؛ ب - اعلام بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی اول و طرفداری از انگلیس ها؛
- 3 - انگیزه های بیرونی و دست های نامرئی از خارج برای رسیدن به یک هدف خاص.

بعد از بررسی همه جوانب انگیزه های فوق اینجانب به این نتیجه رسیده که قتل امیر بوسیله یک ایجنت خاص انگلیس بنام مصطفی صغیر که اساساً هندی الاصل و اما در دامن استخبارات انگلیس پروده شده بود، با تبنانی کسانیکه در آنشب مسئول مراقبت خوابگاه امیر بودند و در راس شان سپهسالار محمد نادرخان قرارداشت، انجام یافته و زمینه فرار قاتل بعد از واقعه نیز قبلاً مساعد گردیده بود. مصطفی صغیر وقتی به اتهام قتل انا ترک (مصطفی کمال پاشا رئیس دولت ترکیه) در آنجا گرفتار و حین محاکمه رسمی ضمناً به قتل امیرحبیب الله خان نیز اعتراف کرد، اما با آنهم بعضی از مؤرخان کشور از جمله غبار و فرهنگ و سپس به تقلید از آنها دیگران نیز با وجود اشاره به اعتراف مصطفی صغیر باز هم احتمالاً به دلیل حساسیت های سیاسی از این اعتراف طفره رفته و بیشتر انگیزه قتل امیر را بدوش مشروطه خواهان و خاصناً شاه امان الله و مادرش می اندازند. این اتهام هم بوسیله انگلیس ها و هم بعد از سقوط دوره امانی بوسیله حکومت های بعدی بیشتر اشاعه گردید که به دلایل موجه، چنانچه در سلسله مقالات اینجانب به تفصیل بیان گردیده، عاری از واقعیت پنداشته شده است.

این سؤال که چرا انگلیسها خواستند در یک موقع حساس امیرحبیب الله خان را از بین ببرند، درجوار بعضی انگیزه های دیگر از اینکار دو مقصد عمده داشتند که با یک تیر دو هدف را نشان گرفتند: یکی اینکه انگلیس ها از همان آغاز از رسیدن شهزاده امان الله بقدرت در هراس بودند و از قبل در نظر داشتند سلطنت افغانستان را از خانواده امیر دوست محمد خان به خانواده سردار سلطان محمد طلائی که بیشترین آنها طی دو دهه در هند برتانوی مقیم و بسیار شان در آنجا تولد و بزرگ شده و مورد اعتماد انگلیس ها بودند، انتقال دهند و دیگر برحسب وعده هائیکه به امیر حبیب الله خان در صورت حفظ بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی اول مبنی بر شناسائی استقلال کامل افغانستان در روابط خارجی داده بودند و بعد از جنگ نمی خواستند به ایفای این وعده بپردازند و نیز پولهای امدادی انگلیس به امیر که میدل به یک مبلغ گزاف شده و نزد انگلیس ها به امانت گذاشته شده بودند و در آنوقت حکومت هند برتانوی به دلیل ضعف اقتصادی در طول سالهای جنگ از عهده پرداخت آن بدرشده نمیتوانستند، خواستند با از بین بردن امیر از این بار شانه خالی کنند و ضمناً آنها در تلاش بودند تا به هدف آخری خود یعنی از طریق بقدرت رساندن سردارنصرالله خان به سلطنت که شخص ضعیف الاراده بود، کام از او، اما اقتدار کامل در دست معتمد آنها سپهسالار محمدنادرخان و بنی اعمام او باشد تا بدانوسیله شهزاده امان الله از رسیدن به قدرت محروم گردد و احتمالاً از بین برده شود. به همین دلایل انگلیسها پلان قتل امیرحبیب الله خان را در پیش گرفتند و موفق شدند آنرا بوسیله ایجنت خاص خود البته با دستیار یک عده درباریان حاضر در اطراف امیر به منصبه اجراء گذارند(علاقمدان موضوع میتوانند به 22 قسمت نوشته فوق الذکر منتشره افغان جرمن آنلاین به ارشیف نویسندگان تحت نام اینجانب مراجعه فرمایند. این سلسله مقالات همین حالا با اضافات جدید به حیث یک کتاب مستقل در 298 صفحه آماده و ان شاء الله بزودی در کابل بچاپ خواهد رسید.)

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

اما خواست الهی و چرخ روزگار پلان بقدرت رسیدن نصرالله خان را خنثی کرد و شهزاده امان الله به سلطنت افغانستان رسید و دوره کوتاه اما پرثمر و تاریخی او آغاز گردید که عمده ترین آن استرداد استقلال کامل کشور از تحت الحمایگی دیرینه انگلیس بود و بعد از استقلال روزنه های تحول چشمگیر در کشور باز شد و یکی از آن تحول در ساحه معارف کشور بود که اینک موضوع بحث اساسی این سلسله نوشته ها را تشکیل میدهد.

چنانچه در بخش اول این نوشته به حیث یک مقدمه راجع به توصیه های شاه امان الله غازی در مورد ضرورت تعلیم و رفتن به مکتب طی چند بیانیه مهم او، از جمله حین خطبه نماز جمعه یک روز قبل از تدویر لویه جرگه 1303 تذکار رفت، اینک به تاسی از اهداف عالی ایشان در راه انکشاف معارف جدید و تهیه برنامه های وسیع در زمینه و تأسیس مکاتب عالی بنامهای امانی و امانیه، در جوار مکتب حبیبیه و مکتب حربی و نیز تأسیس مکاتب برای دختران مبادرت ورزید. از همه مهمتر اعزام شاگردان اعم از پسر و دختر برای کسب تعلیم در رشته های اختصاصی و مسلکی در ساحات ملکی و نظامی به کشورهای مختلف از جمله جرمنی، فرانسه، ایتالیا، روسیه و ترکیه با وجود مشکلات مختلف اقدام کرد که قبل از آن نظیر نداشت. اما قبل از پرداختن به مباحث فوق میخوام در اینجا به ذکر دو موضوع پیردازم که منتهای عطف توجه آن شاه بزرگ را در انکشاف معارف و رفاه عامه بیان میکند:

اختصاص مصارف عروسی برای اعمار یک مکتب یا شفاخانه:

استاد وکیلی پوپلزائی شرحی دارد در مورد عروسی شهزاده امان الله خان عین الدوله از اینقرار: «عین الدوله در سال 1291ش به عمر 21 سالگی میل به ازدواج نمود و با مسماء "گل چهره" بنت شیرمحمد خان چترالی که در جمله خدمات علیا حضرت صحیح تربیت شده بود، بقسم سریتی میل به ازدواج نمود و با ازدواج او بطور سریتی موافقت پادشاه و ملکه حاصل گردید [شهزاده هدایت الله خان فرزند ارشد شاه امان الله از بطن همین خانم اول است]. بعد آن علیا حضرت سراج الخواتین مصمم گردید که از طایفه خود برای پسر خود عین الدوله عیال بگیرد و اراده نمود که مسماء زهرا جان بنت سلطان علی خان پسر سردار شیردل خان لویناب را بگیرد.. چون قبلاً مسماء خیریه بنت محمود طرزی بعقد ازدواج سردار عنایت الله خان معین السلطنه گرفته شده و خانم افندی لقب یافته بود، عین الدوله بطرف مسماء ثریا دختر سوم محمود طرزی تمایل پیدا کرد. در سال 1293ش - 1914م با مسماء ثریا در شهر کابل نامزد شد. امیر حبیب الله خان مراسم عروسی عین الدوله را در برج عقرب سال مذکور مدنظر گرفت و در پی آن شد که با مصارف زیاد و در طول هفت شباروز جشنی در کابل برگزار و اقسام زیورات و البسه تهیه سازد. عین الدوله ازین تمهید گزاف خرجی خوش نداشت و ورقه پیشنهادی بحضور پدر خود تقدیم کرده گفت: "اگر اراده علیحضرت همایونی شرف تعلق پذیرد که همین مبالغ تخصیص یافته مراسم عروسی هفت شباروزی برای تأسیس یک باب مکتب اناتیه یا یک باب شفاخانه اناتیه بصرف برسد و ملت از آن مستفید شده یک تذکار ابدی و یادگار دائمی برای این مراسم بماند و از اسرافات بیهوده بی ثمر صرف نظر شود، عین مرحمت خواهد بود". امیر حبیب الله خان ازاین اندازه همت و رشادت سومین پسر خود سخت متعجب شد و بحیرت رفته و بعداً شهزاده مکرم بلند اقبال سردار امان الله خان عین الدوله را سزاوار تحسین و آفرین دانسته مبلغ هنگفتی را که برای مراسم عروسی تخصیص شده بود، مطابق پیشنهاد پسر دانشور خود برای مؤسسات عرفانی و صحی تعیین فرمود و اجراء مراسم عروسی و نکاح را بروفق نظریه عین الدوله بطور خیلی ساده و مختصر فرمان داد.» (وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان"، چاپ قندهار، 1396ش، جلد اول، صفحه 37 - 38)

اختصاص پول مصارف شخصی به انکشاف معارف:

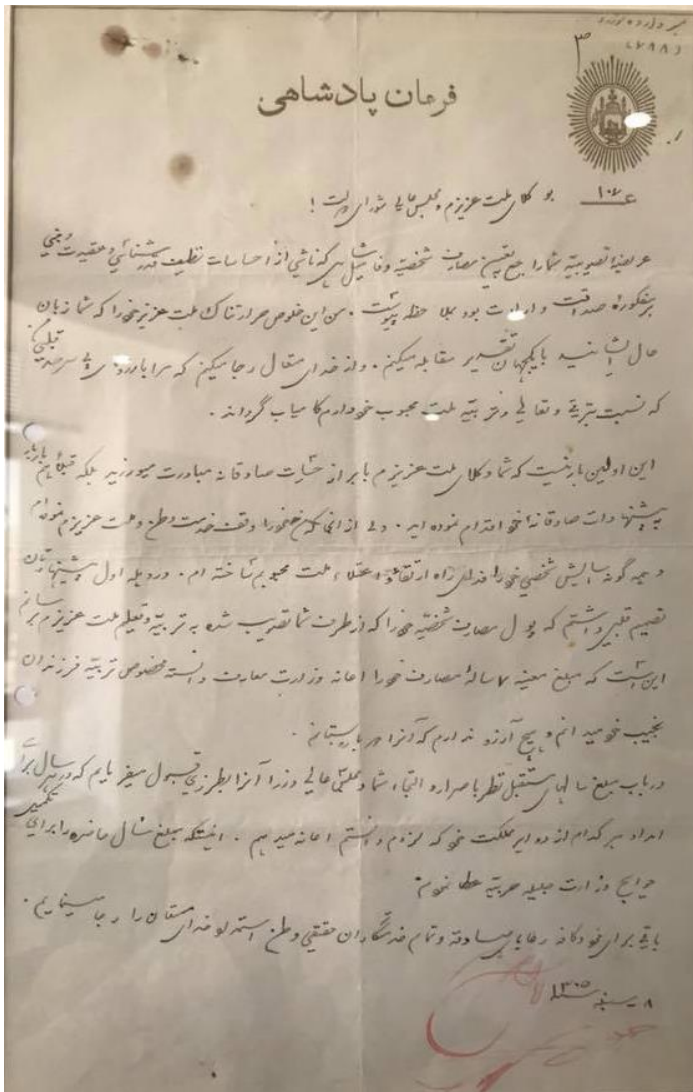
چند سال قبل حین بررسی اوراق سالهای گذشته که در یک گدام روی هم انباشته شده بود، فرمانی بدست آمد که اکنون با فوتوی شاه امان الله غازی یکجا قاب گردیده و در یکی از دفاتر مهم ارگ ریاست جمهوری کشور زیب دیوار گردیده است. دراین فرمان مهم طوریکه از متن آن بر می آید، شاه امان الله غازی از مبلغی که در ظرف چند سال برای مصارف شخصی شاه اختصاص یافته و اما شاه از اخذ آن خودداری کرده بود، شورای دولت خواست این مبلغ را برای شاه تادیه نماید، اما شاه از قبول آن صرف نظر کرده و از شورای دولت خواست که آن مبلغ را برای انکشاف معارف در کشور تخصیص دهد.

اینک توجه را به متن فرمان که تحت شماره 107 مورخ 8 سنبله 1305ش درج گردیده است، جلب میدارم:

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ



فرمان پادشاهی

بوکلای ملت عزیزم، مجلس عالی شورای دولت!

عریضه تصویبه شما راجع به مصارف شخصیه و فامیل شاهی که ناشی از احساسات نظیف قدرشناسی و عقیدت دینی برمفکوره صداقت و ارادت بود، بملاحظه رسید. من این خلوص حرارتناک ملت عزیز خود را که شما زبان حال ایشانید با یکجهان تقدیر مقابله میکنم و از خدای متعال رجا میکنم که مرا بآرزوهای بی سرحد قبلی من که نسبت بترقی و تعالی و تربیه ملت محبوب خود دارم، کامیاب گرداند.

این اولین بار نیست که شما وکلای ملت عزیزم بابرار احساسات صادقانه مبادرت میورزید بلکه قبلاً هم باربار پیشنهادات صادقانه خود را اقدام نموده اید. ولی از آنجائیکه من خود را وقف خدمت وطن و ملت عزیزم نموده ام و همه گونه آسایش شخصی خود را فدای راه ارتقاء و اعتلای

ملت محبوبم ساخته ام، در وهله اول پیشنهاد تان تصمیم قبلی داشتم که پول مصارف شخصیه خود را که ازطرف شما تصویب شده به تربیه و تعلیم ملت عزیزم برسانم. این است که مبلغ معینه 7 ساله مصارف خود را اعانه وزارت معارف دانسته مخصوص تربیه فرزندان نجیب خود میدانم و هیچ آرزو ندارم که آنرا دوباره بستانم.

درباب مبلغ سالهای مستقبل نظر باصرار و التجای شما و مجلس عالی وزراء آنرا بطرزی قبول میفرمایم که درهرسال برای امداد هر کدام از دوایر مملکت خود که لزوم دانستم، اعانه میدهم. اینست که مبلغ سال حاضره را برای تکمیل حواجج وزارت جلیه حربه عطا نمودم.

باقی برای خود و کافه رعایای صادق و تمام خدمتگاران حقیقی وطن استمداد خدای متعال را رجا مینمایم.

8 سنبله 1305 (امضای) امیر امان الله

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ